

تلنگر

ريچارڊ اڇ. ٽيلر
گس سان استاين
ترجمه آرش طهماسبى

- ۷ سپاسگزاری
 ۹ یادداشت مترجم
 ۱۱ مقدمه: کافه‌تريا
 ۱۵ پدرسالاری لیبرتارین
 ۱۸ انسان‌ها و مقتصدها: چرا تلنجر می‌تواند کمک می‌کند
 ۲۱ یک فرض غلط و دو سوءبرداشت
 ۲۵ معماری گزینش در عمل

بخش اول

- ۳۱ انسان‌ها و مقتصدها
 ۳۱ ۱- تمایل‌ها و خطاها
 ۵۹ ۲- مقاومت در برابر وسوسه
 ۷۷ ۳- پیروی از جماعت
 ۱۰۲ ۴- کی به یک تلنجر نیاز داریم؟
 ۱۱۴ ۵- معماری گزینش

بخش دوم

- ۱۳۹ پول
 ۱۳۹ ۶- فردا بیشتر پس‌انداز کن
 ۱۵۹ ۷- سرمایه‌گذاری ساده‌لوحانه
 ۱۷۹ ۸- بازار اعتبار
 ۱۹۷ ۹- خصوصی‌سازی تأمین اجتماعی: سبک اسمرگسبورد

بخش سوم

- ۲۱۵ بهداشت
 ۲۱۶ ۱۰- داروهای نسخه‌ای: کابوس بند دال
 ۲۳۶ ۱۱- چگونه اهدای عضو را افزایش دهیم

۲۴۶ ۱۲- نجات کره زمین

بخش چهارم

۲۶۵ آزادی

۲۶۶ ۱۳- بهبود فرایند انتخاب مدارس

۲۷۶ ۱۴- آیا باید بیماران را مجبور کرد که بلیت بخت آزمایی بخرند؟

۲۸۵ ۱۵- خصوصی سازی ازدواج

بخش پنجم

۳۰۱ تعمیم ها و ایرادها

۳۰۱ ۱۶- یکدوجین تلنگر

۳۱۰ ۱۷- ایرادها

۳۳۱ ۱۸- راه سوم واقعی

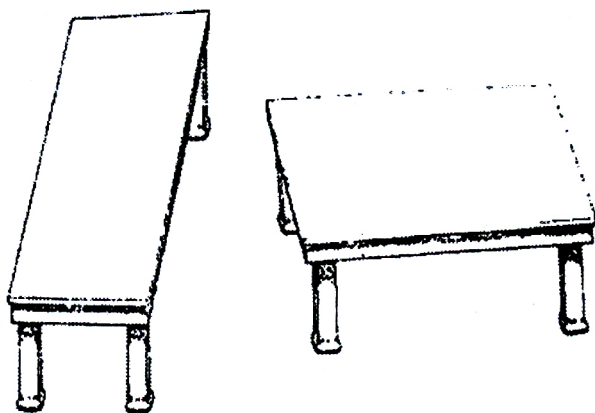
۳۳۴ یادداشت ها

بخش اول انسان‌ها و مقتصدها

۱- تمایل‌ها و خطاها

اگر می‌شود نگاهی به این دو میز بیندازید:

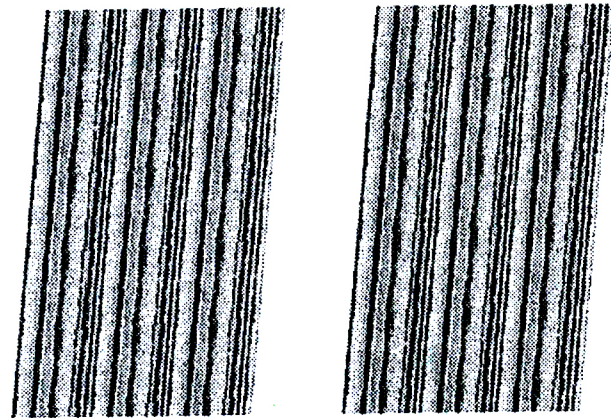
شکل ۱-۱- دو میز (با اقتباس از شپارد، ۱۹۹۰)



فرض کنید می‌خواهید بدانید کدام میز، به‌عنوان میز قهوه‌خوری، برای اتاق نشیمن‌تان بهتر است. حتماً اول به ابعاد میز نگاه می‌کنید؟ فقط با دیدن، یک حدس سرانگشتی دربارهٔ نسبت طول و عرض هر دو میز بزنید. اگر مثل اغلب مردم باشید، خواهید گفت میز سمت چپ درازتر و باریک‌تر از میز سمت راستی است. حدس معمول این است که نسبت طول

و عرض برای میز سمت چپ ۳:۱ و برای میز سمت راست ۵:۱ است. حال با یک خطکش ابعاد هر میز را اندازه بگیرید. می بینید که رویه هر دو میز ابعاد یکسانی دارد. اندازه بگیرید تا خیالتان راحت شود، زیرا این یکی از آن مواردی است که مثل «دیدن باورکردن است» را نقض می کند (وقتی تیلر این تصویر را به سان استاین نشان داد، سان استاین با چوب غذاخوری چینی ابعاد آن دو را با هم مقایسه کرد).

شکل ۱-۲- رویه های میز (با اقتباس از شپارد، ۱۹۹۰)



از این مثال چه نتیجه ای می گیریم؟ اگر شما میز سمت چپ را درازتر و باریکتر از میز سمت راست می بینید، شما قطعا یک انسان هستید. هیچ جای کار شما ایراد ندارد (خب، حداقل نه ایرادی که ما بتوانیم از این آزمون بدان پی ببریم). باین حال قضاوت شما در این آزمون جهت دار و قابل پیش بینی بوده است. هیچ کس باور نمی کند که میز سمت راست باریکتر از چیزی است که در تصویر دیده می شود. نه تنها اشتباه کردید، بلکه احتمالا مطمئن بودید که قضاوتتان صحیح است. اگر دوست داشته باشید، می توانید از این آزمون کمال استفاده را ببرید و با کسانی که به اندازه شما انسان هستند و حاضرند کمی پول در یک شرط بندی هدر دهند، مثلا در یک بار، وارد بازی شوید.

حال شکل ۱-۲ را در نظر بگیرید. آیا این دو شکل یکسان هستند یا با هم فرق دارند؟ مجددا تکرار می کنیم، اگر شما یک انسان هستید و دید سالمی دارید، احتمالا این دو شکل را یکسان می بینید و همین طور هم هست. این دو تصویر، رویه های میزهای تصویر اول هستند که از رویشان برداشتیم و جهت گیری شان را تغییر دادیم. هم شکل پایه ها و هم جهت گیری میزها در تصویر ۱-۱ به این توهم کمک کردند که دو میز با هم فرق دارند. بنابراین با حذف این عوامل مزاحم، دستگاه بینایی ما به همان حالت قضاوت دقیق خود برمی گردد.^۱

این دو تصویر همان بینش کلیدی ای را نشان می دهند که اقتصاددانان رفتاری از روان شناسی وام گرفتند. به طور عادی ذهن انسان به گونه ای خارق العاده عالی کار می کند. ما کسانی را که سال ها ندیده ایم تشخیص می دهیم، پیچیدگی های زبان مادری مان را تشخیص می دهیم و از یک رشته پلکان بدون اینکه بیفتیم، پایین می رویم. برخی از انسان ها می توانند تا ۱۲ زبان مختلف را تکلم کنند، پیچیده ترین کامپیوترها را بسازند یا نظریه ای مثل نسبیت را خلق کنند. با این حال، حتی آینشتاین هم احتمالا گول این تصاویر را می خورد. این بدان معنی نیست که یک جای کار ما انسان ها ایراد دارد، بلکه بدان معنی است که درک ما از رفتار انسان را می توان با پیش بینی اینکه چطور ممکن است انسان ها به طور نظام مند راه خطا را بروند، بهبود بخشید.

برای کسب این درک، لازم است برخی جنبه های اندیشه انسان را بررسی کنیم. آگاهی از دستگاه بینایی ما به راجر شپارد (۱۹۹۰)، هنرمند و روان شناس، امکان داد که این تصاویر فریبنده را خلق کند. او می دانست چه چیزی ترسیم کند تا ذهن ما به بی راهه برود. آگاهی از جنبه های دستگاه شناختی ما، به پژوهشگران دیگر امکان داد تا جهت گیری های نظام مند در شیوه اندیشیدن ما را کشف کنند.

۱- یکی از حقه های به کاررفته در ترسیم این تصاویر این است که خطوط عمودی به نظر درازتر از خطوط افقی می رسند. در نتیجه طاق دروازه سنت لوییس بلندتر از عرضش به نظر می رسد در صورتی که هر دو به یک اندازه است- مؤلفین.